

The Social Theology of Gender in the "Theory of the Third Model of the Muslim Woman" (Foundations, Necessity, Objectives, Requisites)

Narjes Roodgar^{ORCID}

Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Mysticism, Al-Mustafa International University; Department of Family Studies, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
n.roodgar@gmail.com

Abstract

The purpose of the present research is the reconstruction of the social theology of gender based on the intellectual system of the Supreme Leader in the "Theory of the Third Model of the Muslim Woman". This study, with an analytical method, has systematically investigated the statements of the Supreme Leader of the Revolution and extracted and classified the fundamental components of the social theology of gender. The findings demonstrate that the social theology of gender, as a meta-discourse, formulates the "third model" while simultaneously critiquing ossified traditional readings and Western secular paradigms. This model is established upon ontological foundations, generative [Takwīnī] differences, and multi-layered role-playing in individual, familial, and social arenas. This theory, by transcending the dichotomy of "confinement to the home" and "modern instrumentalization", defines the identity of the woman in the nexus among faith [Imān], chastity [ʾIfāf], and civilization-building agency. Monotheism [Tawhīd], the principle of innate nature [Fitrah], the elucidation of the woman's identity with a supra-material perspective, the enumeration of the family as a divine tradition [Sunnah], the principle of modesty [Hayā] as the normative foundation of the two sexes, and a critical view of Western thought regarding gender differences, are among the foundations of the social theology of this model. The effectiveness of the woman as the primary agent in charge of the upbringing of the generation, the irreplaceable impact on society, the honoring of the family and familial roles as a civilizational necessity, and countering the cultural invasion and social engineering of the enemy, as an identity-related necessity, are the necessities of this social theology. The attainment by the woman of her existential perfection as the ultimate objective, the realization of the human and true rights of the woman, and the elucidation and consolidation of the model of the Muslim woman as an identity-related objective, are among the objectives of this social theology. Reliance on Islamic foundations and the avoidance of passivity and imitation, along with the radical critique of the material epistemology of the West, are among the epistemological requisites of this model. Policy-making for providing the ground for the comprehensive flourishing of women and their attainment of material and spiritual felicity [Sa'ādah], resistance in cultural and legal policies against imposed models and the assimilation of

Cite this article: Roodgar, N. (2026). The Social Theology of Gender in the "Theory of the Third Model of the Muslim Woman" (Foundations, Necessity, Objectives, Requisites). *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 217-236.
<https://doi.org/10.22034/scs.2026.74038.1476>

Received: 2025-07-21 ; **Revised:** 2025-09-07 ; **Accepted:** 2025-10-04 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article





women to men, and the enactment and implementation of supportive laws to protect the dignity and security of women in society, are among the political requisites of this theology.

Keywords: Social theology, Gender, Theory of the third model of the Muslim woman, Ayatollah Khamenei, Family.



الهیات اجتماعی جنسیت در «نظریه الگوی سوم زن مسلمان» (مبانی، ضرورت، اهداف، وابسته‌ها)

نرجس رودگر¹

دانشیار، گروه فلسفه و عرفان اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه؛ گروه مطالعات خانواده، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران.
n.roodgar@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بازسازی الهیات اجتماعی جنسیت براساس منظومه فکری مقام معظم رهبری در «نظریه الگوی سوم زن مسلمان» است. این مطالعه با روشی تحلیلی به بررسی نظام‌مند بیانات رهبر معظم انقلاب و استخراج و طبقه‌بندی مؤلفه‌های بنیادین الهیات اجتماعی جنسیت پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که الهیات اجتماعی جنسیت به‌مثابه یک فراگفتار، ضمن نقد همزمان خوانش‌های سنتی متحجرانه و پارادایم‌های سکولار غربی، «الگوی سوم» را صورت‌بندی می‌کند. این الگو بر مبانی هستی‌شناختی، تفاوت‌های تکوینی و نقش‌آفرینی چندلایه در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی استوار است. این نظریه با عبور از دوگانه «خانه‌نشینی» و «بازارنگاری مدرن»، هویت زن را در پیوند میان ایمان، عفاف و کنشگری تمدن‌ساز تعریف می‌نماید. توحید، اصل فطرت، تبیین هویت زن با نگاه فرامادی، برشماری خانواده به عنوان سنت الهی، اصل حیا به عنوان مبنای هنجاری دو جنس، نگاه انتقادی به اندیشه غرب در مورد تفاوت‌های جنسیتی، از جمله مبانی الهیات اجتماعی این الگو است. تأثیرگذاری زن به عنوان متصدی اصلی تربیت نسل، تأثیرگذاری بی‌بدیل بر اجتماع، بزرگداشت خانواده و نقش‌های خانوادگی به عنوان ضرورت تمدنی، و مقابله با تهاجم فرهنگی و مهندسی اجتماعی دشمن، به عنوان ضرورت هویتی، ضرورت‌های این الهیات اجتماعی هستند. رسیدن زن به کمال وجودی خویش به عنوان هدف غایی، احقاق حقوق انسانی و حقیقی زن، تبیین و تثبیت الگوی زن مسلمان به عنوان هدف هویتی، از اهداف این الهیات اجتماعی است. اتکاء بر مبانی اسلامی و اجتناب از انفعال و تقلید، نقد ریشه‌ای معرفت‌شناسی مادی غرب، از بایسته‌های معرفتی این الگو می‌باشد. سیاست‌گذاری برای فراهم‌سازی زمینه شکوفایی همه‌جانبه زنان و دستیابی آنان به سعادت مادی و معنوی، مقاومت در سیاست‌های فرهنگی و قانونی در برابر الگوهای تحمیلی و تشبیه‌سازی زن به مرد، و وضع و اجرای قوانین حمایتی برای صیانت از کرامت و امنیت زنان در جامعه، از بایسته‌های سیاسی این الهیات است.

واژه‌های کلیدی: الهیات اجتماعی، جنسیت، نظریه الگوی سوم زن مسلمان، آیت‌الله خامنه‌ای، خانواده.

استاد به این مقاله: رودگر، نرجس (۱۴۰۵). الهیات اجتماعی جنسیت در «نظریه الگوی سوم زن مسلمان» (مبانی، ضرورت، اهداف، وابسته‌ها).

مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۱۱۰(۱)، ص ۲۱۷-۲۳۶. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74038.1476>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده: نویسنده‌ان دارنده حق‌مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ۱۴۰۵/۰۱/۱۰





۱. مقدمه

الهیات اجتماعی^۱ در تعریف کلاسیک خود، شاخه‌ای از مطالعات کلامی است که به بررسی «جامعه، نهادهای اجتماعی، پدیده‌ها و مسائل جمعی از منظر دین» می‌پردازد (لگنهاوسن، ۱۴۰۱). در رویکردی نوین، این حوزه نه تنها در صدد تبیین رابطه دیالکتیکی دین و جامعه است، بلکه با اتخاذ موضعی انتقادی، به مقابله با هژمونی «عقل سکولار» در نظریه‌پردازی اجتماعی می‌پردازد (میلبنک، ۱۳۹۰). الهیات اجتماعی در این معنا، خود را «فراگفتاری» می‌داند که می‌تواند جایگاه، مشروعیت و حدود گفتمان‌های دیگر را تعیین کند (همان). الهیات اجتماعی در سنت مسیحی، به‌ویژه پس از نهضت‌های اصلاح دینی و ظهور «الهیات اجتماعی پروتستان» و «الهیات اجتماعی کاتولیک»، صورت‌بندی منسجمی یافت (لگنهاوسن، ۱۴۰۱). در جهان اسلام، این حوزه با مفاهیمی چون امت، عدالت، شریعت و اخلاق اجتماعی پیوند خورده و در قالب «الهیات اجتماعی اسلامی» در حال تکوین است. ماهیت میان‌رشته‌ای این حوزه، آن را در تقاطع جامعه‌شناسی، فلسفه، کلام و مطالعات فرهنگی قرار می‌دهد (میلبنک، ۱۳۹۰).

این حوزه را می‌توان در سه بعد اصلی تحلیل نمود: (۱) بعد الهیاتی - جامعه‌شناختی که در آن به واکاوی تأثیر متقابل نهادهای اجتماعی و انگاره‌های دینی می‌پردازد. (۲) بعد اخلاقی - سیاسی که در آن به مطالعه مبانی دینی حکومت، اقتصاد، فرهنگ و نقد ایدئولوژی‌های سکولار همچون لیبرالیسم و پوزیتیویسم می‌پردازد. (۳) بعد گفتمانی - انتقادی که در آن به بررسی چگونگی شکل‌گیری گفتمان‌های دینی در بسترهای تاریخی و اجتماعی، و مقاومت در برابر پارادایم‌های مسلط علوم اجتماعی مدرن می‌پردازد (میلبنک، ۱۳۹۰). در دوره مدرن، الهیات غالباً در موضع دفاعی قرار گرفت و سعی کرد با توسل به روش‌شناسی علوم اجتماعی، مشروعیت خود را احیاء کند. اما در دیدگاه میلبنک، الهیات اجتماعی می‌تواند با عبور از این تواضع کاذب، بار دیگر به‌مثابه منطق غایی سامان‌دهنده ظاهر شود و ادعای فراگفتاری خود را بازیابد. این رویکرد، الهیات را نه تابعی از گفتمان‌های دیگر، بلکه به‌مثابه چارچوبی مستقل برای نقد اجتماعی قرار می‌دهد (حسینی بهشتی و مریدی، ۱۳۹۵). جنسیت به‌مثابه سازه‌ای اجتماعی، در کانون توجه الهیات اجتماعی انتقادی قرار می‌گیرد. این حوزه با پرسش از رابطه مفاهیم و عقاید دینی با مفاهیم زن، خانواده و جنسیت، در پی کشف «لایه‌های پنهان الهیاتی» در مطالعات زن و خانواده است. الهیات اجتماعی جنسیت، از یک سو به نقد خوانش‌های سنتی از متون دینی می‌پردازد، و از سوی دیگر لایه‌های پنهان الهیاتی و یا آنتی الهیاتی نظریات فمینیستی را تحلیل می‌کند و هم‌زمان با ارائه تحلیل‌های بدیل، در صدد صورت‌بندی الگوهای هماهنگ با الهیات و همسو با نیازهای زمانه است. این مسئله به‌ویژه در بازتعریف «زن مسلمان» در گفتمان معاصر، از اهمیت محوری برخوردار است. با توجه به

1. Social Theology

مباني پيش گفته، الهيات اجتماعي به مثابه چارچوبي تحليلي- انتقادي، امکان خوانش نويني از نسبت دين، جامعه و جنسيت را فراهم مي آورد. اين چارچوب نه تنها گفتمان هاي سنتي و مدرن درباره زن را به چالش مي کشد، بلکه با تكيه بر منابع ديني و واقعيت هاي اجتماعي، در پي صورت بندي «الگوي سوم» است. در اين الگو، زن مسلمان نه موضوع منفعل گفتمان ها، بلکه سوژه اي فعال در فرآيند بازسازي الهيات اجتماعي معاصر خواهد بود. در بخش دوم مقاله با تمرکز بر نظريه «الگوي سوم زن مسلمان»، اين ايده بسط داده شده است.^۱ دستيابي به الگوي سوم زن مسلمان به مثابه يک نظريه اجتماعي الهياتي، نيازمند استخراج نظام مند، دسته بندي مفهومي و تحليل مضامين فراواني است که در بيانات رهبر انقلاب اسلامي تبلور يافته است. عدم ارائه الگو و مباني الهياتي آن، خسارت هاي زيادي را بر عرصه جامعه و فرهنگ وارد مي کند. اين بخش با رويکردي تحليلي- استنباطي، به استخراج، طبقه بندي و تفسير اصول و مؤلفه هاي بنيادين الهيات اجتماعي جنسيت از منظر ايشان مي پردازد. هدف، ارائه چارچوبي ساختاريافته است که در آن، کرامت ذاتي، تفاوت هاي تکويني، نقش هاي اجتماعي و نقد گفتمان رقيب در قالب يک نظريه جامع اسلامي درباره جنسيت صورت بندي مي شود. در امتداد چارچوب نظري الهيات اجتماعي که در بخش پيشين تبين گرديد، اينک مي توان بيانات حکيمانه رهبر انقلاب اسلامي در موضوع زن و خانواده را به مثابه مصداق عيني و کاربردي «الهيات اجتماعي جنسيت» خوانش و تحليل نمود. اين بيانات، فواتر از توصيه هاي اخلاقي يا سياست گذاري هاي صرف، در عمق خود، يک نظام الهياتي منسجم را ارائه مي دهند که با تكيه بر مباني کلامي اسلامي، به تحليل، نقد و بازسازي جايگاه زن در جامعه مي پردازد. اين نظام، با نقد ريشه اي «منطق غربي» در مسئله زن و ارائه «الگوي سوم» زن مسلمان، درصدد است تا با احياي نقش فراگفتاري دين، جايگاه، مشروطيت و حدود گفتمان هاي رقيب را تعيين کند. در اين بخش، با استنباط و استخراج نظام مند محورهاي اصلي اين بيانات، ساختار الهيات اجتماعي جنسيت در اندیشه اسلامي معاصر بازشناسي و تبين مي گردد.

۲. مباني الهيات اجتماعي جنسيت در گفتمان انقلاب اسلامي

اساس هر منظومه حقوقي- اجتماعي در اسلام، ريشه در مباني توحيدى و کلامي دارد. ديدگاه حکيمانه رهبري در مورد زن نيز بر شالوده اي استوار از اين مباني بنا نهاده شده است. الهيات اجتماعي جنسيت بر مباني مشخص الهياتي و انسان شناختي استوار است که همه احکام و حقوق از آن نشأت مي گيرد.

۱. زن در منطق اسلام و معرفت اسلامي يک الگوي دارد، يک چهارچوبي براي زن معين شده است. اين چهارچوب يک چهارچوب کامل است؛ يعنى زن اسلامي عبارت است از آن موجودي که داراي ايمان است؛ داراي عفاف است؛ متصدي مهم ترين بخش تربيت انسان است؛ اثرگذار در اجتماع است؛ داراي رشد علمي و معنوي است؛ مدير کانون بسيار مهم خانواده است؛ مایه آرامش مرد است؛ همه اينها در کنار خصوصيات زنانگي است، مثل لطافت؛ مثل رقت قلب؛ مثل آمادگي دريافت انوار الهي؛ اين الگوي زن مسلمان است (مقام معظم رهبري، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).



۲-۱. توحید به مثابه اصل بنیادین همه تفاوت‌ها و تشابهات

در الهیات اجتماعی جنسیت، نظام توحیدی حاکم بر خلقت، تحلیلگر نوع و چگونگی خلقت است. آفرینش، نظامی حکیمانه و مبتنی بر تدبیر الهی است. تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، تصادفی یا تحقیرآمیز نیست، بلکه ناشی از «حکمت» و «رحمت» الهی در راستای تحقق «عدالت» در نظام خلقت است. این نگاه، هرگونه تفسیر مادی‌گرایانه یا تقلیل‌گرایانه از جنسیت را نفی می‌کند. تفاوت‌های جنسیتی، نه ناشی از تصادف یا نقص، بلکه برآمده از حکمت غایی خداوند در راستای اهداف خلقت است. این تفاوت‌ها در عین حال، نشانه رحمت الهی برای تکمیل و تعادل زندگی انسانی و تحقق عدالت واقعی - نه صرفاً تشابه‌جویی - است.^۱ حکمت، دلیل آفرینش دو قالب متفاوت برای دو صنف کار است. رحمت، در هماهنگی و تکمیل‌گری این دو قالب تجلی می‌یابد. عدالت، نه به معنای تشابه، بلکه به معنای دادن حقوق متناسب با فطرت و مسئولیت هر جنس است (آقاجانی و مشکانی، ۱۳۹۹).

۲-۱-۱. مبانی انسان‌شناختی - فطری

فطرت مشترک و کرامت ذاتی، اصل انسان‌شناختی این الهیات است. انسانیت، جوهر مشترک زن و مرد است. قرآن کریم با آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)، کرامت ذاتی را به تمامی فرزندان آدم، اعم از زن و مرد، اعطاء کرده است. بر این اساس، «در انسانیت، زن و مردی وجود ندارد، همه یکسانند». این کرامت ذاتی، مبنای هرگونه حق‌گذاری است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۰). آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰) شامل هر دو جنس می‌شود. بنابراین، هرگونه تبعیض یا تحقیر مبتنی بر جنسیت، نافی کرامت ذاتی اعطاء شده از سوی خداست. اسلام در عین تأکید بر وحدت در انسانیت و کرامت، به «تفاوت‌های فطری و تکوینی»^۲ زن و مرد اذعان دارد. این تفاوت‌ها نه برای برتری‌جویی، بلکه برای «تکامل» و ایفای نقش‌های مکمل در مسیر قرب الهی است. «هرکدام نقشی دارند، هرکدام جایی دارند،

۱. اسلام برای مرد و زن این بینش را قائل است و می‌گوید که این دو موجود از لحاظ حقوق اساسی جامعه، ارزش‌های معنوی، هدف‌های بزرگ، برخورداری از معنویت‌ها در زمینه علم و سیر و سلوک الی الله، هیچ تفاوتی با هم ندارند، دو عدل یکدیگرند و بین آنها در جامعه هم همکاری وجود دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۶/۰۹). حق منشأ طبیعی دارد؛ حق واقعی آن است که منشأ طبیعی داشته باشد؛ این حقوقی که در برخی محافل تعریف می‌شود، براساس توهمات و خیالات است؛ آن حقوقی که برای زن و مرد وجود دارد، باید متکی باشد به طبیعت زن و مرد؛ به قواره و ساخت زن و مرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹). پس، این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش همانجور که هست، زن واقعی، مونث واقعی بشناسیم. ببینیم چه ارزش‌هایی می‌تواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد. این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال می‌شدیم که متأسفانه شدیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

۲. بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت‌های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).



جایگاهی دارند و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آن‌ها در آفرینش حکیمانه الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود»^۱.

۲-۲. نگاه فرامادی به زن و مرد

در نگاه اسلامی، زن و مرد فراتر از جسم و تمایلات مادی تعریف می‌شوند. ارزشمندی آنان ذاتی و مرتبط با روح، فطرت و قرب به خداوند است. این نگاه، در مقابل نگاه تقلیل‌گرایانه مادی غرب قرار می‌گیرد که زن را غالباً به «کالای جنسی» یا «عامل تولید اقتصادی» تقلیل می‌دهد.^۲

۲-۲-۱. تفاوت‌های تکوینی در راستای کمالات دو جنس

تفاوت‌های جسمانی و روانی زن و مرد، تضادی با کرامت ذاتی ایجاد نمی‌کند، بلکه ابزارها و قالب‌های متفاوتی برای حرکت در مسیر یک هدف مشترک، یعنی کمال و قرب الهی، هستند. «هرکدام نقشی دارند، هرکدام جایی دارند ... مقصودی از وضعیت خاص آن‌ها در آفرینش حکیمانه الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود» (۱۳۸۶/۰۴/۱۳).

۲-۳. اهمیت به نهاد خانواده به عنوان یک سنت الهی

در منظومه فکری الگوی سوم زن مسلمان، ازدواج و تشکیل خانواده نه به عنوان یک اختیار و انتخاب، بلکه به عنوان یک ضرورت و بایسته، به عنوان سنت الهی محسوب می‌شود. از این جهت هم زن و هم مرد مأمور به تشکیل خانواده بوده و هر دو در ساماندهی آن وظیفه دارند. از سویی، به دلیل تأثیر جدی زن در نهاد خانواده، این امر نسبت به سایر وظایف اجتماعی نوعی تقدم می‌یابد؛ هرچند این تقدم نباید به معنی انحصار شأن زن در عرصه خانواده عنوان گردد. به همین دلیل نیز فرزندآوری و مادری به عنوان وظیفه‌ای الهی محسوب می‌شود.^۳

۱. در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

۲. یک الگوی انحرافی وجود دارد که در دوره‌های مختلف زمان متفاوت بوده؛ امروز آن الگوی انحرافی، الگوی زن غربی است. این دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم، به جای همه خصوصیات برجسته و ممتازی که در زن اسلامی مشاهده کردیم، خصوصیت و امتیاز عمده زن غربی امروز این است که بتواند نظر مردان را جلب کند و در معرض التذاذ مردان قرار بگیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

۳. فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است و فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند؛ اوست که رنج‌هایش را می‌برد؛ اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است؛ خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده است؛ در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده؛ عاطفه‌اش را به آنها داده؛ احساساتش را به آنها داده؛ اندام جسمانی‌اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زن است؛ اگر ما این‌ها را در جامعه به فراموشی نسپریم؛ آن وقت پیشرفت خواهیم کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).



۲-۴. اصل حياء و عفاف به عنوان مبنای هنجاری در روابط دو جنس

حیاء عموماً به عنوان یک هنجار اخلاقی محسوب می‌شود، اما در الهیات اجتماعی جنسیت در منظومه الگوی سوم، اصل حیاء به عنوان یک اصل انسان‌شناختی حاکم بر روابط زوجین در سطح اجتماع ضرورت می‌یابد.^۱ هر حرکتی که برای دفاع از زن انجام می‌شود، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد.

۲-۵. نقد مبانی غربی: تقابل دو جهان‌بینی مادی و الهی

دیدگاه اسلامی، در تقابلی روشن با مبانی انسان‌شناختی غرب قرار می‌گیرد: غرب رویکردی مادی‌گرایانه و تقلیل‌گرایانه دارد که یا زن را به بدن و جاذبه جنسی تقلیل می‌دهد (نگاه مصرف‌گرایانه)، یا با شعار برابری صوری، او را به «مردی ناقص» یا «مرد مصنوعی» تبدیل می‌کند. این نگاه، ریشه در «معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی» دارد.^۲ اسلام با رویکردی فرامادی، کل‌نگر و فطری، زن را با هویت مستقل و ارزش ذاتی «زن بودن» تعریف می‌کند. «اسلام به زن اهانت نمی‌کند و اجازه اهانت هم نمی‌دهد» (۱۳۹۰/۰۳/۰۱). ارزشمندی زن، نه در تشبیه به مرد، که در «زن کامل بودن» است.

۱. از همه این صفات بالاتر و در رأس آنها، حیاء است. ببینید این چقدر اهمیت دارد و چقدر فاجعه‌بار است؛ سیاستی که امروز در دنیا به وسیله عوامل قدرت‌های ضد بشری برای زدودن حیاء رایج است؛ واقعاً آن با یک سیاستی، با یک تدبیری، در همه دنیا دارد کار انجام می‌گیرد؛ برای اینکه حیاء را از بین مردم بردارند ... مسئله اختلاط زن و مرد یک مسئله است؛ مسئله پوشش زن و مرد یک مسئله است ... مسئله حیاء خیلی مسئله مهمی است؛ دنیا اینچور نبوده که امروز هست. نقطه مقابل این است که حیاء برای مرد فضیلت است؛ برای زن هم فضیلت است؛ و این حیاء مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرت‌ها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیاء را ملاحظه کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۱۳).

هر حرکتی که برای دفاع از زن انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همانطور که عرض کردم، در غرب به خاطر اینکه به این نکته توجه نشد، کار به این بی‌بندوباری کشیده شد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

۲. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). غربی‌ها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هرچه برخلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند ... یک افراط این چنین، در مقابل، تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در چنان فضایی به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریط‌هایی از طرف مقابل می‌شود. لذا، شما می‌بینید در طول چند ده سال، آنچنان فساد و بی‌بندوباری در غرب به وسیله آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد! (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).



تمایزهای معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی: الهیات اجتماعی جنسیت، خود را در تقابل آگاهانه و تقادانه با گفتمان مسلط غربی تعریف می‌کند. گفتمان غرب در مسئله زن، ریشه در معرفت‌شناسی مادی و سکولار دارد که خدا و امر متعالی را از صحنه زندگی بشر حذف می‌کند. نتیجه، تقلیل زن به بعد مادی وجودش (تن، لذت، منفعت اقتصادی) یا برابری طلبی ویرانگر است که با نادیده گرفتن تفاوت‌های فطری، به «مردنمایی» زن می‌انجامد. «می‌خواهند زن را وادار کنند به اینکه شود یک مرد! ... یک مرد مصنوعی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳).

برابری صوری در مقابل عدالت واقعی: شعار برابری غربی، مبتنی بر تشابه محض و نادیده گرفتن عدالت مبتنی بر تفاوت است. این رویکرد، به جای رفع ستم، ساختارهای ظالمانه جدیدی ایجاد می‌کند. «روی این فکر غلط، زندگی بشریت را تباہ کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰).

۲-۱. نقد اهداف و پیامدهای گفتمان غرب

زن به‌مثابه ابزار در پروژه مدرنیته: در بسیاری از خوانش‌های غربی، زن ابزاری برای پیشبرد اهداف سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی و ایدئولوژی‌های سکسی شده است. آزادی تعریف‌شده در غرب، اغلب به معنای رهایی از قید اخلاق و خانواده و افتادن در دام انواع بهره‌کشی‌ها است.

تخریب نهاد خانواده: گفتمان افراطی فمینیسم غربی با فرودست خواندن نقش‌های مادری و همسری، به تضعیف عمده نهاد خانواده انجامیده که پیامدهای ویرانگر اجتماعی و روانی داشته است.

۲-۶. خانواده، کانون تبلور مبانی الهیاتی

خانواده در این منظومه، تنها یک نهاد اجتماعی نیست، بلکه «عصاره تمدن اسلامی» و کانون اصلی تحقق اهداف خلقت در رابطه زن و مرد است. خانواده‌محوری، سیاست کلان این نگاه است، چراکه خانواده، محل اصلی تجلی رحمت، حکمت، عدالت و کمال‌جویی مبتنی بر فطرت است. خانواده‌محوری به‌مثابه انتخاب الهیاتی در الهیات اجتماعی اسلامی است. در این منظومه، خانواده کانون اصلی تحقق اهداف خلقت، محل رشد معنوی، عاطفی و اجتماعی و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است. هر سیاست و نظریه‌ای که به تضعیف این نهاد بینجامد، از منظری الهیاتی مردود است.

۲-۷. ابعاد چندگانه ارزشمندی و هویت زن در اسلام

ارزش زن در این منظومه، چندبعدی و در سه حوزه خلقت، خانواده و اجتماع تعریف می‌شود. ارزش ذاتی «زن بودن»: در الهیات اجتماعی اسلامی، زن بودن به‌مثابه ارزش مستقل محسوب می‌شود. عالی‌ترین ارزش برای زن، زن کامل بودن است، نه شبیه مرد شدن.^۱ «به هیچ وجه تشبیه به مردان

۱. مردواره کردن زن، یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی، عصبی و فکری مرد سازگارتر است را



برای زن ارزش به حساب نمی‌آید». این اصل، هویت مستقل و اصیل زنانه را به رسمیت می‌شناسد.^۱ در این منظومه فکری و ارزشی، خصائص زنانه، موهبتی الهی محسوب می‌شود. عاطفه، لطافت، صبر، مهرورزی و سایر ویژگی‌های غالباً زنانه، موهبت‌های الهی و دارای ارزش ذاتی هستند که نه تنها نباید سرکوب شوند، بلکه باید مبنای نقش‌آفرینی اجتماعی قرار گیرند.^۲

نقش بی‌بدیل در خانواده: تربیت‌گری به عنوان محوری‌ترین مسئولیت زن در خانواده است. زن، متصدی مهم‌ترین بخش تربیت انسان است. این نقش، از جایگاه مادرانه نشأت می‌گیرد و هیچ نهاد یا شخصی قادر به جایگزینی کامل آن نیست.^۳

مدیریت عاطفی و ایجاد آرامش: زن با طبیعت زنانه خود، کارکرد اصلی ایجاد آرامش، سکون و تعادل عاطفی در کانون خانواده را برعهده دارد. این مدیریت، نقشی محوری در سلامت روانی جامعه ایفا می‌کند.

جایگاه فعال و اثرگذار در اجتماع: تساوی در تکالیف و حقوق عمومی از اصول الهیات اجتماعی اسلامی جنسیت است. زن و مرد در همه تکالیف عمومی دینی و اجتماعی (علم‌آموزی، امر به معروف،

بکشانند به سمت بانوان و زنان و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند، ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم، ما هم نادانسته، ناخواسته این گفتمان را قبول کردیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

۱. جایگاه زن و هویت و شخصیت زن در جنس خود، زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است، در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند، از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیات کبان طبیعی‌شان که خدای متعال خلق کرده، یک امتیازاتی جانب زنانه دارد، یک امتیازاتی جانب مردانه دارد، خدای متعال یک مقدار خصوصیات را به این جنس داده که برجستگی‌ها و ارزش‌هایی این دارد، برجستگی‌ها و ارزش‌هایی آن دارد. لذا، با همدیگر از لحاظ آنچه مربوط به انسانیت است، هیچ فرقی ندارند، آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار می‌دهد، از لحاظ حقوق انسانی فوق اجتماعی، از لحاظ ارزش‌های معنوی و سیر تکامل معنوی، هیچ فرقی ندارند، یک مردی مثل علی بن ابیطالب می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

۲. ظرافتی که می‌گوییم تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

این رشته‌های به شدت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سرانگشت ظریف و لطیف مادر است که می‌تواند از هم جدا کند که عقده به وجود نیاید گره به وجود نیاید بیچ کس دیگر نمی‌تواند یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمی‌تواند این کار کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها به قدری با ظرافت است که انسان استعجاب می‌کند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده من همیشه به دوستان و خویشاوندان زنان می‌گویم برخلاف آنچه که معروف است در بین این دو جنس آن جنس قوی‌تر زن است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

۳. زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).



جهاد، فعالیت اقتصادی مشروع، مشارکت سیاسی) کاملاً برابر هستند. «در هیچ وظیفه عمومی اسلامی ... بین اینها تفاوت نیست»^۱.

الهیات اجتماعی اسلامی به نفوذ اجتماعی منحصر به فرد زن اذعان دارد. زن دارای قدرت نفوذ قهری و طبیعی بر محیط اطراف خود است. این نفوذ، می‌تواند در جهت اصلاح جامعه، ترویج ارزش‌ها و حتی مبارزه با فساد به کار گرفته شود. رهبری با اشاره به این قدرت، هشدار می‌دهد که فساد زن، به فساد نسل می‌انجامد و صلاح او، صلاح جامعه را در پی دارد.

۳. ضرورت‌های الهیات اجتماعی جنسیت در گفتمان انقلاب اسلامی

تبیین ضرورت‌ها نشان می‌دهد که مسئله زن، یک موضوع حاشیه‌ای یا صرفاً احساسی نیست، بلکه مسئله‌ای استراتژیک و تمدن‌ساز است.

ضرورت تربیتی؛ زن، متصدی اصلی تربیت نسل: مهم‌ترین بخش تربیت انسان، برعهده زن است. جامعه زنان، سرمایه انسانی آینده را می‌پروراند؛ بنابراین، صلاح و فساد جامعه به‌طور مستقیم به سلامت و تعالی این قشر گره خورده است. سرمایه‌گذاری دشمن بر فساد زن، دقیقاً به خاطر تأثیر موج‌وار و نسل‌ساز آن است.

ضرورت اجتماعی؛ تأثیرگذاری بی‌بدیل و نفوذ طبیعی: این نقش اثرگذار، هم می‌تواند در جهت اصلاح و تعالی جامعه باشد و هم در صورت انحراف، عامل فساد گسترده.

ضرورت بزرگداشت خانواده و نقش‌های خانوادگی: خانواده حلقه رباط سنت و دین و نسل‌های گذشته و آینده است. پاسداشت نقش‌های خانوادگی مانع تزلزل خانواده و در نتیجه حفظ فرهنگ و دین می‌شود.^۲

ضرورت تمدنی؛ نقش زن در بقاء و تعالی نظام اسلامی: آینده انقلاب اسلامی نیازمند حضور آگاه، فعال و تعالی‌یافته زنان است. «این نظام الهی باید صدها سال عمر کند ... آینده نیاز دارد به این حضور زنان» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). حفظ و تقویت ظرفیت عظیم زنان، یک ضرورت دفاعی - تمدنی برای پایداری و پیشرفت جامعه اسلامی است.

۱. مسئولیت اداره جامعه اسلامی و پیشرفت جامعه اسلامی بر دوش همه است بر دوش زن بر دوش مرد هر کدامی به نحوی بر حسب توانایی‌های خودشان بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه البته که می‌تواند شکی در این نیست نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳).

۲. آن کسانی که کانون خانواده را تحقیر می‌کنند خیانت می‌کنند هم به ملت هم به زن و به جامعه زنان کسانی که وانمود می‌کنند عدالت جنسیتی به این است که در همه میدان‌هایی که مردها وارد می‌شوند زن‌ها هم باید وارد شوند این‌ها خیانت می‌کنند به اعتماد زن و به حرمت و شخصیت و هویت زن. زن محترم است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷). باید جلوی این چیزی که به طور طبیعی مردم را جوان را دختر را پسر را می‌کشد به بی‌میلی به خانواده و بی‌اعتنایی به کانون خانواده و به همسر بگیرد قهراً معارضه وجود دارد مزاحمت وجود دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۹/۰۹).



ضرورت هویتی؛ مقابله با تهاجم فرهنگی و مهندسی اجتماعی دشمن: دشمن با شناخت دقیق از نقش محوری زن، سال‌هاست در «مهندسی فرهنگی» و تغییر هویت زن مسلمان سرمایه‌گذاری کرده است. بنابراین، پرداختن به مسائل زن، یک جبهه ضروری در جنگ نرم و دفاع از هویت اسلامی- ایرانی است (حسینی بهشتی و مریدی، ۱۳۹۵؛ همایون و جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۷).

۴. اهداف الهیات اجتماعی جنسیت در گفتمان انقلاب اسلامی

اهداف این منظومه، فراتر از حل مسائل روزمره، معطوف به تحول و تعالی موقعیت زن در افقی بلندمدت است.

هدف غایی؛ رسیدن زن به کمال وجودی خویش: هدف این است که ما برای رسیدن زن به کمال وجودی‌اش تلاش کنیم... تا زنان... به آن نقطه‌ای که برای یک زن آرمانی و غایت مطلوب است، برسند» (۱۳۷۶/۰۷/۳۰). این کمال، شامل رشد معنوی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، توأمان است.

هدف میانی (حقوقی- اجتماعی): هدف این الگو احقاق حقوق انسانی و حقیقی زن و تحقق «برابری ارزشی» نه «تشابه صوری و برابری زن و مرد در «ارزش‌های انسانی» به‌طور کامل است (۱۴۰۴/۰۳/۰۷)؛ البته این، متفاوت از برابری در تشابه و یکسانی وظایف است. فرصت برای شکوفایی استعدادها، ایجاد میدان و فرصت برای رشد علمی، معرفتی و اجتماعی زنان، متناسب با فطرت و استعدادهايشان، از دیگر اهداف این الگو است.

هدف هویتی؛ تبیین و تثبیت الگوی زن مسلمان: احیای شأن انسانی زن، هدف دیگر این الگو است. این هدف، پاسخی به فرودستی کاذب القاء شده به زن مسلمان است. پرورش زنانی که در عین حفظ «هویت و خصوصیت زنانگی» و ایفای نقش‌های بی‌بدیل خانوادگی، در عرصه‌های علم، معنویت، سیاست و اجتماع حضوری فعال و اثرگذار دارند. الگویی که حضرات فاطمه زهرا(س) و زینب کبری(س) تجسم آن هستند.^۱

۵. بایسته‌های الهیات اجتماعی جنسیت در گفتمان انقلاب اسلامی

این بایسته‌ها، خط‌مشی‌های کلانی هستند که هر اقدام و سیاستی در حوزه زن باید براساس آنها تنظیم شود.

۱. تصریحات رهبری شهید به عبارت «الگوی سوم زن مسلمان» در بیانات زیر صورت گرفته است:

بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵؛ گوشه‌هایی از سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا(س)، ۱۳۹۴/۱۲/۱۹؛ بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت(ع)، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷؛ اهمیت «حجاب»، شیوه‌های ترویج آن و راهکارهای مقابله با بدحجابی از منظر رهبر انقلاب اسلامی؛ با محبت و مدارا، ۱۳۹۸/۴/۱۷؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۳/۹/۲۷.



۵-۱. بایسته معرفتی؛ اتکاء بر مبانی اسلامی و دوری از انفعال در برابر گفتمان غرب

عمل براساس «منطق اسلام» نه «واکنش به غرب»: اگر با این قصد وارد این میدان دفاع از زن شویم که از غربی‌ها عقب نفتیم، اشتباه خواهیم کرد ... باید بینیم حقایقی که در عالم وجود دارد ... چیست» (۱۳۷۶/۰۷/۳۰). حرکت باید مبتنی بر بینش مستقل اسلامی باشد. در این راستا، نظر اسلام در مورد زن باید تبیین گردد و خود زنان سزاوارتر به این تبیین هستند.^۱ در این زمینه لازم است زنان به نوعی بصیرت و خودآگاهی نسبت به نقش ممتاز خود شوند.^۲

اجتناب از انفعال و تقلید: هر حرکت و سیاستی باید برآمده از درک عمیق و مستقل از مبانی اسلام باشد، نه پاسخ انفعالی به شعارها یا انتقادات غرب.^۳

معیار قرار دادن رضای الهی: غایت همه تلاش‌ها باید تحقق رضایت خداوند و قرب به او باشد، نه جلب رضایت مجامع بین‌المللی یا روشنفکران غرب‌زده.

نقد ریشه‌ای معرفت‌شناسی مادی غرب: عدم پذیرش مرجعیت افکار غربی، زیرا مبتنی بر «معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی» است که با مبنای اسلام اختلاف اساسی دارد.

۵-۲. بایسته روش‌شناختی؛ حرکت خردمندانه، عقلایی و مبتنی بر واقعیت‌های فطری

شناسایی طبیعت و فطرت زن و مرد: هر حرکتی باید مبتنی بر شناخت واقعی «مسئولیت‌ها و مشاغل

۱. نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیشتر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آنجا‌هایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً براساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

۲. نقش خودتان را پیدا کنید؛ عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیاء و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مومنانه درک کنید؛ زن مسلمان ما اینجور است؛ عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیاء و عفاف زنانه را که خدا در جلیت زن و دیه نهاده است، حفظ کند. این را پیام‌زده؛ احساس وظیفه! آن لطافت را در جای خود به کار ببرد؛ آن تیزی و برندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد؛ این ترکیب ظریف فقط مال زن‌هاست؛ این آمیزه ظریف لطافت و برندگی (۱۳۸۹/۰۲/۰۱).

۳. همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواست‌ها هست، که بعضی با یکدیگر به‌کلی متناقضند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب، بیشتر مفاهیم از این آزادی، آزادی به معنای نادرست و مضّر آن است - یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از نفوذ مطلق مرد، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آنجایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار گیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن. لذا، شما می‌بینید جزو حرف‌هایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسأله آزادی سقط جنین است، که این نکته بسیار مهمی است و با اینکه ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن، مضمر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود؛ لذا، می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضّر است؛ اگرچه ممکن است بخش‌های مفیدی هم در آن باشد. باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسب‌تر، صحیح‌تر و گره‌گشا‌تر گشت (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).



اختصاصی زن، مسئولیت‌ها و مشاغل اختصاصی مرد» باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).
تلفیق خرد و تجربه: استفاده از روش‌های خردمندانه و عقلایی، و بهره‌گیری از تجربیات مفید دیگران، بدون تقلید کورکورانه.

۳-۵. بایسته هویتی: حفظ و تقویت هویت زنانه و کرامت انسانی

محوریت «زن بودن» به‌مثابه ارزش: زن بودن برای زن یک ارزش والا است ... به هیچ وجه تشبیه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید» (۱۳۸۶/۰۴/۱۳). سیاست‌ها باید به رشد زن در قالب هویت زنانه او کمک کند.

جمع بین شئون مختلف: ردّ دوگانه‌سازی کاذب میان «همسر و مادر بودن» و «فعال اجتماعی بودن». الگوی اسلامی، جمع این وجوه است؛ چنانکه در زندگی حضرت زهرا(س) متجلی است.
تکریم عملی: احترام به زن، به معنای «دادن فرصت برای بروز استعداد»های او در تمام سطوح (خانواده، جامعه، بین‌الملل) در چارچوب ارزش‌های اسلامی است.^۱

۴-۵. بایسته اجتماعی و حقوقی و فرهنگی

ضرورت تدوین قوانین عدالت‌گستر در سطح جامعه و خانواده از بایسته‌های حقوقی این الگو است.^۲ بسیاری از قوانین نیازمند مقدمه‌سازی‌ها و سپس فرهنگ‌سازی‌ها است، تا به غایت خود که تأمین عدالت است، برسد. تشخیص مصداق حق و مصداق عدالت و مصداق ظلم در روابط همسران و سپس تبدیل آن به زبان قانون‌گذاری، لازمه این امر است.^۳

۱. احترام به زن این است که به زن فرصت داده شود تا آن نیروها و استعدادها را برجسته و عظیمی را که در درون هر انسانی خدای متعال به ودیعه نهاده است، از جمله زن و استعدادهایی که فقط درون زنان وجود دارد، این استعدادها در سطوح مختلف بروز کند. در سطح خانواده، در سطح جامعه، در سطح بین‌المللی، برای علم، برای دانش و معرفت و تحقیق، برای تربیت و سازندگی؛ احترام به زن این است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

۲. یک نکته که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، بخصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح قوانین ... و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسأله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی‌فهمند و زن را در خانه، مستخدم مورد ستم مرد، بدون تمکن از خودسازی معنوی تلقی و اینگونه هم عمل می‌کنند. باید با این فکر با قوت و شدت مقابله شود؛ البته به شکل کاملاً منطقی و عقلانی (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

۳. طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فی‌مابین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه عشق و مهربانی است: «مودّه و رحمة». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است، که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند. در محیط بیرون خانواده نیز همین‌طور است. اگر زن محیط امن و توأم با امنیتی برای درس خواندن، برای کار کردن، برای احیاناً کسب درآمد و برای استراحت نداشته باشد، این ظلم و ستمکاری است. هر کس که موجب این ظلم شود، باید قانون و جامعه اسلامی با او



تساوی کامل در حق تحصیل علم، مشارکت اجتماعی و فرهنگی و تعالی معنوی، قوانین متناسب با تفاوت‌های فطری و تکوینی و به‌منظور تأمین فرصت‌های عادلانه، تبیین حکمت برخی تفاوت‌های حقوقی به طور مستمر برای جلوگیری از هرگونه انحراف فکری، از جمله این بایسته‌ها است.

۵-۵. بایسته سیاستی: مسئولیت نهادهای حکومتی در مهندسی فرهنگی صحیح

قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان موظفند «راه درست اسلامی و صحیح را بدون تمایل و انعطاف به روش‌های غلط بیگانه و تحمیلی پیدا کنند» (۱۳۷۶/۰۷/۳۰) و فضایی فراهم آورند که زنان به «خوشبختی مادی و معنوی و دنیا و آخرت» برسند.^۱

۵-۵-۱. فرصت‌سازی برای شکوفایی همه‌جانبه

گسترش میدان‌های علم، معرفت و معنویت: احترام به زن، مستلزم گشودن همه عرصه‌های علم، پژوهش، هنر، مدیریت اجتماعی و سیاسی به روی او، در چارچوب ارزش‌های اسلامی است. مشکل اصلی، کمبود میدان و فرصت است، نه کمبود حق.

تربیت زنان عالمه، متعهد و اثرگذار: نظام آموزشی و فرهنگی باید در راستای پرورش زنانی با ایمان راسخ، علم و تخصص بالا، و توان مدیریت و اثرگذاری اجتماعی گام بردارد. الگوهایی مانند حضرت

مقابله کند. چنانچه نگذارند زن به تحصیلات صحیح و به علم و معرفت دست پیدا کند، این ظلم است. اگر شرایط طوری باشد که زن فرصت پیدا نکند به خاطر زیادی کار و فشار کارهای گوناگون، به اخلاق خود، به دین خود و به معرفت خود برسد، این ظلم است. اگر زن امکان پیدا نکند که از مایملک خود به طور مستقل و با اراده خود استفاده کند، این ظلم است. اگر به زن در هنگام ازدواج، شوهری تحمیل شود -یعنی خود او در انتخاب شوهر نقشی نداشته باشد و اراده و میل او مورد اعتنا قرار نگیرد- این ظلم است. اگر زن، چه آن وقتی که داخل خانه با خانواده زندگی می‌کند و چه در صورتی که از شوهر جدا می‌شود، نتواند از فرزند خود بهره عاطفی لازم را ببرد، این ظلم است. اگر زن استعدادی دارد -مثلاً استعداد علمی دارد، استعداد برای اختراعات و اکتشافات دارد، استعداد سیاسی دارد، استعداد کارهای اجتماعی دارد- اما نمی‌گذارند از این استعداد استفاده کند و این استعداد شکوفا شود، ظلم است. ممکن است انواع ظلم‌ها در جامعه وجود داشته باشد، که باید این ظلم‌ها برداشته شود؛ اما در عین حال به مسئولیت زن و مسئولیت مرد که در قبال هم، هر دو مسئولیتی به عنوان تشکیل خانواده دارند، باید به چشم اهمیت نگریسته شود؛ چون خوشبختی زن و خوشبختی مرد در این است. بعضی خیال می‌کنند زن کمبودش این است که مشاغل بزرگ و سروصدا دار ندارد؛ خیر؛ مشکل زن این نیست. حتی آن زنی هم که شغل بزرگی دارد، به محیط امنی در خانواده، به یک شوهر مهربان با محبت، به یک تکیه‌گاه مطمئن عاطفی و روحی -که شوهر و مرد اوست- نیازمند است. طبیعت و نیاز عاطفی و روحی زن این است؛ باید این نیاز برآورده شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

۱. مرد باید به زن کمک کند تا عقب‌ماندگی‌هایی را که در جامعه ما دارند، جبران کند. البته مراد از این عقب‌ماندگی‌ها آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگی‌ها در جامعه ما مطرح می‌شود، بلکه مراد معرفت است، مراد تحصیلات است، مراد پیدا شدن روح اندیشه در زن است ... مراد اینهاست که مرد هرچه بتواند، باید در این زمینه به همسرش کمک کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹)



فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) که جمع بین کمالات خانوادگی و اوج فعالیت اجتماعی بودند، باید معرفی و ترویج شوند.^۱

حفظ و تقویت هویت و کرامت زنانه و مقاومت در برابر موج تشبه: سیاست‌های فرهنگی و قانونی باید در برابر موج ضد ارزشی شبیه‌سازی زن به مرد، مقاومت کند و هویت مستقل و با کرامت زنانه را تقویت نماید.

تکریم عملی در خانواده و جامعه: این تکریم، باید در قوانین (مانند منع خشونت خانگی)، ادب عمومی، و ایجاد فرصت‌های واقعی برای ابراز استعدادها متبلور شود. به مردان نیز آموخته شود که تکلیف‌گرایی و تحمیل قدرت جاهلانه، جایگاهی در خانواده اسلامی ندارد. یکی از مصادیق تکریم، مبارزه با ظلم و خشونت علیه زنان بوده که از وظایف دولت اسلامی است.^۲

۶. نتیجه‌گیری

بیانات رهبری، در مجموع، یک دستگاه فکری منسجم و عملیاتی را تحت عنوان الهیات اجتماعی جنسیت ارائه می‌دهد که ویژگی‌های زیر را دارد:

(۱) سیستماتیک و چندلایه است. از مبانی هستی‌شناختی (توحید، حکمت، رحمت و عدالت الهی) شروع شده، به نقد گفتمان رقیب (نقد بنیادین گفتمان سکولار و ماتریالیستی غرب در مسئله زن) می‌پردازد، جایگاه ارزشی زن را در سطوح مختلف تبیین می‌کند و به الزامات سیاستی مشخص ختم می‌شود.

(۲) آرمان‌گرایانه و واقع‌بینانه است. هم به کمال‌گایی زن نظر دارد و هم واقعیت‌های فطری و تکوینی

۱. زندگی فاطمه زهرا(س) را از جهت خردمندی، فرزاندگی، عقل و معرفت، الگو و سرمشق قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسررداری و تربیت فرزندان صالح، از زهرا(س) پیروی کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۹/۰۸). زن مسلمان برای انجام تمامی وظایف مهمی که یک زن می‌تواند انجام بدهد، باید از حضرت زینب(س) تعلیم بگیرد، طهارت و تقوا که بزرگ‌ترین خصوصیت یک زن است، اهمیت دادن به ارزش‌های اصیل، بیش از هر چیز دیگری در زندگی توجه به علم و معرفت، انجام فعالیت‌های سیاسی و امدادسانی به انسان‌ها و کیفیت دادن به محیط خانه و خانواده، از ویژگی‌های زینب کبری(س) محسوب می‌شود. زن مسلمان از درون خانواده تا درون جامعه و تا مسائل علمی و سیاسی و ارزش‌های اخلاقی و نیز نشان دادن نقش‌های بزرگ انقلابی، می‌تواند به زندگی آن حضرت تأسی جوید (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۷/۱۲). زینب کبری(س) برای زنان ما در طول تاریخ یک الگو است؛ عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور و احساس عاطفی، صراحت زبان، متانت دل، استواری روح، در عین حال مادرا، خواهرانه، با همه انسان‌ها برخورد کردن، در محیط خانه شمع محبت را روشن نگه داشتن، همسر و فرزندان را بر سفره محبت و عاطفه خود دور هم جمع کردن، این‌ها خصوصیات زن مسلمان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۰۹/۱۶).

۲. جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازات‌های سختی را پیش‌بینی کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).



- را به دقت می‌شناسد و در نظریه‌پردازی دخالت می‌دهد.
- ۳) جامع‌نگر است. توجه هم‌زمان به ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی زن دارد.
- ۴) فعال است، نه منفعلانه؛ با شناخت و نقد ریشه‌ای گفتمان غرب، خود را به عنوان الگوی سوم و بدیل مطرح می‌کند.
- ۵) کاربردی و الگوساز است و با ارائه بایسته‌های مشخص، راه را برای قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی فرهنگی و تربیتی روشن می‌کند و الگوی عینی مانند حضرت فاطمه (س) ارائه می‌دهد.



منابع

قرآن کریم.

آقاجانی، نصرالله؛ مشکانی، عبدالله (۱۳۹۹). ماهیت واقعیت اجتماعی در اندیشه اجتماعی آیت الله خامنه‌ای. *مطالعات اندیشه معاصر مسلمین*، ۶(۱۲).

حسینی بهشتی، سید علیرضا؛ مریدی، فاطمه (۱۳۹۵). الگوی الهیات اجتماعی اسلامی در اندیشه و آثار موسی صدر؛ امت واحده. *جستارهای فلسفه دین*، ۵(۱)، ص ۷۷-۹۹.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶/۰۸/۱۹). *گزیده بیانات در موضوع حقوق متقابل زن و شوهر*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/21431>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۰۶/۰۹). *بیانات در دیدار جمعی از روحانیون*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2776>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۰۲/۰۱). *بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/9218>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۳/۰۱). *بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12518>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲/۰۹/۰۸). *بیانات در دیدار جمعی از بانوان متخصص جراحی زنان و مامایی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/4216>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۱۹/۰۹). *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/22515>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۲/۱۱). *بیانات در دیدار جمعی از مداحان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/22443>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۰۷/۱۲). *بیانات در دیدار جمعی از پرستاران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/4119>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶/۰۴/۱۳). *بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا(س)*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۲/۱۳). *بیانات در ابتدای درس خارج قفه درباره مسئله «حیا»*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/41899>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۰/۱۴). *بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/18453>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۴/۰۹/۱۶). *بیانات در دیدار روحانیون، طلاب و مردم شهر قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/26739>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۱۲/۱۷). *بیانات در جمعی از بانوان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/26155>



خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵/۱۱/۲۰). *گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44111>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵/۱۲/۲۰). *بیانات در اجتماع زنان خوزستان*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/7284>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۰۲/۲۱). *بیانات در دیدار جمعی از بانوان*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/22536>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۰۷/۲۸). *بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/8259>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۰۱/۳۰). *بیانات در جمع بانوان برگزیده کشوری*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/26155>

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۶/۰۷/۳۰). *بیانات در دیدار جمعی از زنان*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/2859>

لگنهاوسن، محمد (۱۴۰۱). *جستارهایی در الهیات اجتماعی*. ترجمه منصور نصیری. تهران: نشر هرمس.
میلینک، جان (۱۳۹۰). *الهیات و نظریه اجتماعی: فراسوی عقل سکولار*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست و شهرزاد قانونی. تهران: انتشارات ترجمان علوم انسانی.

همایون، محمدهادی؛ جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۷). *درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی: درس‌هایی برای سیاست‌گذاران*. اندیشه مدیریت، ۲(۲)، ص ۲۵-۳۵.